

سیاست لابی گری اعراب در آمریکا

مؤلف:

علیرضا مددی

www.ketab.ir



- سرشناسه : مددی، علیرضا، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور : سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا/مؤلف علیرضا مددی.
مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی اولین‌ها، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۱۳۱ ص.: مصور (بخشی رنگی)، جدول، عکس (رنگی).
شابک : ۱۵۰۰۰۰ ریال ۱-۹۶-۸۰۴۲-۶۲۲-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : چاپ قبلی: زلال سبز، ۱۴۰۱.
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۶-۱۲۴.
موضوع : اعراب -- فعالیت‌های سیاسی -- ایالات متحده
Arabs -- Political activity -- United States
اعمال نفوذ سیاسی -- ایالات متحده
Lobbying -- United States
اعراب -- فعالیت‌های سیاسی -- ایران
Arabs -- Political activity -- Iran
موضوع : ایالات متحده -- روابط خارجی -- خلیج فارس، منطقه
United States -- Foreign relations -- Persian Gulf Region
خلیج فارس، منطقه -- روابط خارجی -- ایالات متحده
Persian Gulf Region -- Foreign relations -- United States
رده بندی کنگره : ۱۵JK
رده بندی دیویی : ۳۲۴/۳۲۲۳
شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۲۲۱۴۷
اطلاعات رکورد : فیپا
کتابشناسی

تهران. میدان انقلاب. بعد از منیری جاوید پلاک ۱۳۶۰ واحد ۱۵ همراه ۰۹۱۲۲۳۷۴۷۱۵-۰

عنوان: سیاست لابی‌گری اعراب در آمریکا

مؤلف : علیرضا مددی

موسسه فرهنگی انتشاراتی اولین‌ها

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: مجد

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۹۶-۸۰۴۲-۶۲۲-۹۷۸

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۱	مقدمه
۵	فصل اول: دموکراسی و سیاست لابی‌گری
۶	۱- نظریه لیبرالیسم
۷	۲- دموکراسی و تکثر منابع قدرت
۸	۳- گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌ها
۱۰	۴- ماهیت و اهداف گروه‌های ذی‌نفوذ یا فشار
۱۴	فصل دوم: سیاست لابی‌گری در امریکا
۱۵	۱- حاکمیت ارزش‌های لیبرالی
۱۶	۲- مبانی و شیوه‌های لابی‌گری
۱۸	۳- روندهای لابی‌گری
۲۱	۴- گذری بر بیشینه لابی‌گری در امریکا
۲۳	۵- لابی‌های خارجی بر سیاست خارجی امریکا
۲۴	جمع‌بندی: انتظارات نظری
۲۶	فصل سوم: لابی‌گری اعراب در امریکا
۲۷	مقدمه
۲۸	۱- عرب‌ها و گروه‌های قومی عرب در امریکا
۲۹	۲- لابی‌گری اعراب در امریکا
۴۲	جمع‌بندی
۴۴	فصل چهارم: لابی‌های اعراب در امریکا
۴۵	مقدمه
۴۶	۱- لابی‌های غیررسمی
۴۶	۲- لابی‌های رسمی
۵۶	۳- الگوهای لابی‌گری اعراب در امریکا

۶۰	جمع بندی
۶۱	فصل پنجم: سازوکارهای لابی گری اعراب در امریکا
۶۲	مقدمه
۶۳	۱-سفراتخانه‌ها
۶۵	۲-نمایندگان خارجی
۶۶	۳-لابی گران فردی در امریکا
۶۷	۴-شرکت‌های نفتی
۶۸	۵-اندیشکده‌های مؤثر در سیاست خارجی امریکا
۷۱	فصل ششم: اهداف لابی‌های عربی در امریکا
۷۲	مقدمه
۷۲	۱-غیریت سازی در برابر اسرائیل
۷۳	۲-دفاع از راه‌حل دو دولت
۷۵	۳-تعقیب اهداف اقتصادی در امریکا
۷۶	۴-خنثی سازی تصویرسازی‌های منفی ضدعربی
۷۷	۵-اختلافات درونی اعضای شورای همکاری خلیج فارس
۷۹	۶-تصویرسازی منفی از جمهوری اسلامی ایران
۸۱	فصل هفتم: روابط ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس
۸۲	۱-از تشکیل شورای همکاری تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۶۰)
۸۳	۲-دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)
۸۵	۳-دوران ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)
۸۶	۴-دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴)
۸۸	۵-دوران ریاست جمهوری روحانی (۱۳۹۷-۱۳۹۲)
۹۱	فصل هشتم: سیاست لابی گری اعراب علیه ایران
۹۲	۱-موضوع هسته‌ای ایران

«لابی‌گری»^۱ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفع^۲ عمدتاً به دو صورت انجام می‌گیرد: لابی‌گری خارجی^۳ که در آن سعی می‌شود تا با استفاده از رسانه‌های جمعی از جمله چاپ مقالات، تبلیغات، ارسال پست الکترونیکی و غیره و به‌طور کلی از طریق تغییر افکار عمومی، قوه قانونگذاری یا نهادهای دیگر را به شکل غیرمستقیم تحت تأثیر قرار دهند. اما لابی‌گری به‌معنای خاص همان است که در اتاق‌ها و سالن‌های سرپسته و به شکل مستقیم در تماس با سیاستگذاران و به‌ویژه قانونگذاران صورت می‌گیرد و هدف آن، جلب نظر مساعد تک‌تک سیاستگذاران یا احزاب و فراکسیون‌های پارلمانی نسبت به طرح، لایحه و به‌طور کلی تصمیماتی است که در نهایت ممکن است فقط به‌نفع حامیان یا کل جامعه یا نهادها و جوامع محلی باشد.

لابی‌گری جزء محوری ساختارهای داخلی محسوب می‌شود که به‌عنوان یک ورودی مهم در شکل‌گیری سیاست خارجی عمل کرده و محدودیت‌های داخلی گسترده‌ای را پیش‌روی تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهند. به‌طور خلاصه، لابی‌گری، فراهم نمودن ورودی‌ها به‌منظور تحت تأثیر قرار دادن خروجی‌های سیاسی می‌باشد (Marrar, 2008: 83).

یکی از مواردی که سیاست خارجی ایالات متحده را شکل می‌دهد، پذیرش نقش لابی‌های فکری، قومی و مذهبی و نیز گروه‌های بانفوذ موسوم به گروه‌های فشار است (افشاریان و جوادارجمند، ۱۳۹۷: ۹). از این جهت می‌توان گفت ساختار قدرت در ایالات متحده از دو عامل تأثیر می‌پذیرد: اول، نشانه‌هایی از تفکیک قوا که در آن بخش‌های مختلف یکدیگر را کنترل می‌کنند و دوم نظام سیاسی موکل و نماینده مردم است (Khatib, 2016: 4). قائل شدن به نقش آفرینی و تأثیرگذاری لابی‌ها در روند سیاست‌گذاری در آمریکا و تأثیر بر روندهای امنیتی در حوزه سیاست جهانی، برابندی از گسترش حوزه و قلمرو اعمال قدرت می‌باشد. بر این اساس، کانون‌های پنهان و ساختارهای غیررسمی قدرت و نفوذ در کنار محافل و مراکز رسمی، داخلی و بین‌المللی نقش مؤثری را در روند تأثیرگذاری بر سیاست‌های امنیتی بازیگران بین‌المللی و تعیین دستور کارهای سیاست جهانی دارند. (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۱۲).

در کنار این روند کلی، ساختار سیاسی غیرمتمرکز و توزیع شده آمریکا سبب شده است که جریان‌ها و تشکلهای بسیاری بتوانند روند پیچیده تصمیم‌گیری سیاسی را در این کشور را تحت تأثیر قرار دهند. واقع مطلب آن است که احزاب سیاسی در ایالات متحده نقش نسبتاً ضعیفی در شکل‌دهی به تصمیمات سیاست

¹ Lobbying

² Interest Groups

³ Outside Lobbying (Grassroots Lobbying)

خارجی دارند. این موضوع چنانچه اشاره شد، از نهادهای سیاسی منفک و میزان پایین تمرکزگرایی ناشی می‌گردد که باعث شده سیستم سیاسی در معرض فشارهای گروه‌های ذی‌نفع قرار گیرد. محدودیت تأثیرگذاری مستقیم بر سیاستگذاران نیز به‌طور مشابهی برای رسانه‌ها و عوام وجود دارد. در حالی که گروه‌های ذی‌نفع که به‌طور مستقل از دولت و احزاب سیاسی عمل می‌کنند، از ظرفیت و توان بالایی به‌منظور شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر سیاستگذاری عمومی برخوردارند. کنگره غیرمتمرکز یک ابزار دسترسی آسان برای گروه‌های ذی‌نفع و چشم‌اندازی امیدبخش برای اعمال فشار را فراهم می‌کند. به‌علاوه، گروه‌های ذی‌نفع حمایت‌های سازمانی، بودجه و آراء انتخاباتی را ارائه می‌دهند که سبب می‌شود نامزدها بیش از احزاب خود به آنها امیدوار باشند (Koch, 2015: 4).

آمریکا، کشور گروه‌های لابی است. نه تنها در سیاست خارجی بلکه تقریباً در تمامی موضوعات می‌توان از طریق لابی بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در این کشور اثرات جدی گذاشت. در شهر واشنگتن، خیابانی است به نام کی‌استریت^۱ که مرکز مؤسسات حرفه‌ای در صنعت لابی است. واضح است هر گروهی که تشکل قوی‌تر، پول بیشتر و روان‌شناسی مؤثرتری داشته باشد، ظرفیت اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها را پیدا می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۹۶). لابی‌گری در ایالات متحده عموماً با لابی قدرتمند ایپیک^۲ شناخته می‌شود. با این حال، لابی اسرائیل شبکه‌ای از سازمان‌های یهودی را در بر می‌گیرد که در کنار اتاق‌های فکر و گروه‌های جامعه مدت‌هاست به‌عنوان نیروی پیشرو در تأثیرگذاری بر سیاست ایالات متحده در حوزه اسرائیل و خاورمیانه عمل نموده‌اند و موفقیت این لابی در دستیابی به اهداف خود آن را به‌صورت الگویی برای سایر نهادهای لابی‌گری در واشنگتن به‌ویژه آنهایی که طرفدار منافع خارجی هستند، درآورده است (Ahmadi, 2014: 60). از مهم‌ترین لابی‌های قومی موجود در آمریکا می‌توان به لابی یهودی، عرب‌تبار، ارمنی، کوبایی و مکزیکی اشاره کرد (Ambrosio, 2002: 2). در میان لابی‌های موجود و فعال در ایالات متحده، لابی آیپیک به‌واسطه بهره‌مندی از ساختار، تشکیلات و توان اقتصادی و شبکه‌ای ویژه از بالاترین میزان نفوذ و تأثیرگذاری بر روند سیاستگذاری در آمریکا برخوردار است؛ با این حال، لابی‌های اعراب نیز در سال‌ها و دهه‌های اخیر تلاش‌های روزافزونی را به‌منظور شکل‌دهی به ساختار قدرت و روند سیاستگذاری در آمریکا انجام داده‌اند.

در میان لابی‌های اعراب نیز لابی‌های عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، بحرین، لیبی، مراکش و الجزایر به‌طور رسمی و غیررسمی در روند سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در ایالات متحده ایفای نقش کنند. دامنه و ابعاد کنشگری و اعمال نفوذ لابی‌های اعراب در سال‌های اخیر از رشد قابل توجهی برخوردار شده است. لابی اعراب در آمریکا قدمتی به اندازه لابی طرفدار اسرائیل دارد و حتی شاید از آن هم قدیمی‌تر باشد. لابی اعراب در آمریکا هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی نقش‌آفرینی می‌کنند. نخستین

¹. K Street

². American Israeli Public Affairs Committee (AIPAC)

تلاش‌ها برای تشکیل لابی عربی در آمریکا در دهه ۱۹۵۰ و به درخواست ملک سعود بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان، برای مقابله با لابی اسرائیلی در مناقشه بر سر فلسطین صورت گرفت. بعدها «نفت» به محرک اصلی تأثیرگذاری اعراب در آمریکا تبدیل شد. اگرچه در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳ و افزایش ۴ برابری قیمت نفت، اعراب تحت فشار آمریکا قرار گرفتند، اما با مقاومت شرکت‌های نفتی و انتشار مقالات متعدد در نشریات عربی، تحرکات تازه‌ای در کنگره شکل گرفت که برای نخستین بار اعراب احساس کردند که قدرت تأثیرگذاری در سیاستگذاری آمریکا را دارند (افشاریان و جوادی‌ارجمند، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۵).

در این میان، لابی‌های کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به واسطه قدرت و توان اقتصادی بالایشان، روابط استراتژیک آنها با ایالات متحده و مقامات رسمی و غیررسمی این کشور، ادراک و اشراف آنها نسبت به نقش بی‌بدیل لابی‌گری در شکل‌دهی به سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و به‌ویژه گسترش روند تقابل-گرایی سیاسی و هویتی آنها با جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است. عربستان رسماً اعلام کرده که در سال ۲۰۱۶، ۱۵۰ میلیون دلار صرف لابی در دستگاه‌های حکومتی و همچنین جامعه آمریکا کرده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۶). سعودی‌ها هم‌چنین به‌عنوان یک گام اساسی در مسیر سازمان‌دهی و قاعده‌مند نمودن روند تأثیرگذاری بر جریان سیاستگذاری در آمریکا، لابی معروف به ساپراک^۱ را در این کشور ایجاد کرده‌اند. در سال ۲۰۰۹ نیز امارات متحده عربی، ۵/۳ میلیون دلار برای لابی‌گری در آمریکا هزینه کرد (Lichtblau, 2011). گزارش اخیر مرکز غیرانتفاعی سیاست بین‌الملل^۲ نیز نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۸ عملیات اعمال نفوذ امارات، ۲۰ شرکت آمریکایی را درگیر کرده و حدود ۲۰ میلیون دلار در این راستا هزینه شده است (Al Jazeera News, 2019). کشورهای چون قطر، بحرین، کویت و عمان نیز برای عقب‌نماندن از این قافله تلاش‌ها و اقدامات لابی‌گرانه متعددی را در پیش گرفته‌اند.

این لابی‌ها به‌موازات آنکه توانسته‌اند مانع از تصویب طرح‌ها و قوانین ضدعربی در ایالات متحده شوند، در مسیر شکل‌دهی به سیاست‌های مرتبط با دشمنان و رقبای خود نیز تا حدودی موفق نشان داده‌اند. آن‌ها با علم به مبادی و مجاری سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در ایالات متحده و ایجاد لابی‌های جدید، بسترهای لازم برای تقویت مؤلفه‌های قدرت خود در این زمینه را به‌وجود آورده‌اند. شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر موضوعات مرتبط با ایران در زمره اصلی‌ترین اولویت‌های لابی عربی در آمریکا محسوب می‌شود. از این جهت، تبیین و واکاوی اقدامات ضدایرانی لابی عربی در سال‌های اخیر، تشریح روندهای موجود و ارائه چشم‌اندازهای ممکن و محتمل در این حوزه از اهمیت راهبردی و کاربردی برخوردار است. موضوعاتی چون برنامه هسته‌ای، موضوعات حقوق بشر، استراتژی موشکی و سیاست منطقه‌ای ایران در اثر تلاش‌های بی‌وقفه دشمنان انقلاب اسلامی به‌عنوان اهرم‌های فشار و تصویرسازی منفی بر ضد جمهوری اسلامی ایران مورد بهره‌برداری قرار

1. The Saudi American Public Relation Affairs Committee (SAPRAC)

2. the Center for International Policy (CIP)

گرفته‌اند. لابی‌های مؤثر در روند سیاستگذاری در ایالات متحده، به‌ویژه لابی‌های یهودی و عربی، با استفاده از شرایط یادشده بخش مهمی از دستورکار امنیتی‌سازی حوزه‌های موضوعی ضدایرانی را نمایندگی می‌کنند. به‌عنوان مثال، لابی اعراب در دوران منتهی به انعقاد برجام، تلاش‌های متعددی را به‌منظور به شکست کشاندن مذاکرات هسته‌ای انجام داد؛ در دوران پسابرجام نیز این لابی‌ها حداکثر توان خود را در جهت تصویرسازی منفی و برجسته نمودن نقاط ضعف این توافق، القای ضرورت احیای تحریم‌های اقتصادی و در گام نهایی، متقاعد نمودن سیاستمداران و افکار عمومی ایالات متحده به خروج از برجام عملیاتی نموده‌اند.

افزون بر این، شناسایی روندهای تأثیرگذاری لابی‌های عربی بر جریان سیاستگذاری در ایالات متحده در عین کمک به روند تهدیدشناسی، می‌تواند بخشی از الزامات و ضرورت‌های اتخاذ راهبرد مطلوب کشور در این حوزه را نیز به مسئولان رده‌بالای کشور گوشزد نماید. فعالیت‌های لابی عرب در ایالات متحده می‌تواند به‌طور جدی جایگاه ایران را در جامعه بین‌المللی تحت تأثیر قرار دهد. واضح است که روند یادشده به‌منزله وجود یک ظرفیت و امکان بالقوه برای سایر کشورها به‌منظور حضور و اعمال نفوذ بر روند تصمیم‌گیری در امریکا و همچنین مقابله چندوجهی و چندسطحی با تهدیدات عمدتاً نرم و هوشمند رقبا و دشمنان می‌باشد. اهمیت موضوع از آنجا دوچندان می‌گردد که لابی‌های اعراب در سال‌های اخیر با هدف امنیتی‌سازی مؤلفه‌های قدرت ایران، تداوم و تشدید تحریم‌ها و به حاشیه راندن ایران با لابی یهودی آپیک همسو و همراه شده‌اند. از این جهت، به‌موازات شفافیت‌سازی، اعتمادسازی و امنیتی‌زدایی از دستورکارهای ضدایرانی لابی‌های اعراب در امریکا، می‌توان مواردی چون نقض حقوق بشر، فقدان سازوکارهای دموکراتیک و حمایت از تروریسم از جانب کشورهای عربی را برجسته ساخت.